

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۵ جنوری ۲۰۲۱

فخر فروشی ابلهانه "مایک پمپئو"!

دوشنبه- ۱۵ جدی ۱۳۹۹ - کابل: هرگاه به خبرهای دو روز اخیر گوش داده باشید، حتماً شنیده اید که "مایک پمپئو" وزیر خارجه امپریالیسم امریکا با تبختری ابلهانه، اعلام داشت:

"در حدود یک سال گذشته هیچ نظامی امریکایی در افغانستان کشته نشده است."

"مأموریت ما در افغانستان از میان بردن شبکه القاعده و هر گونه تهدید علیه امریکا است. برای رسیدن به چنین هدفی به صدها و هزارها نیرو در افغانستان نیاز نداریم. شریک‌هایی مانند افغان‌های شجاع و نیروهای ناتو هستند." در یادداشت امروز توجه شما را به هذیان‌گویی این جاسوس و قاتل بی‌آرم که بنا به ادعای اکثریت کشور ها، بدترین و ناکام‌ترین فرد در مقامش در طول تاریخ خونبار امپریالیسم امریکا می‌باشد، جلب می‌نمایم:

۱- جهت اطلاع بیشتر و روشن شدن ذهن این جنایتکار توجه خوانندگان را به این واقعیت‌های تاریخی خواهانم:

*- از زمانی که کشور افریقای جنوبی به وجود آمده تا اکنون هیچ فرد از افراد نظامی آن کشور در افغانستان کشته نشده است،

*- در طول ۵۰۰۰ سال سابقه حیات تاریخی کشور هائی که امروز به نام "جمهوری اسلامی افغانستان" و "جمهوری خلق چین" شناخته می‌شوند به جز یک دوران کوتاه ۲۰ ساله در قرن دوم میلادی که جنگ‌هایی بین زمامداران آنزمان افغانستان امروزی و چینی‌ها در خارج از مرز های کنونی افغانستان صورت گرفت، نه تنها هیچ گاهی هیچ فرد نظامی چین در افغانستان به قتل نرسیده، بلکه در تمام این ۵۰۰۰ سال هیچ برخوردی هم بین آنها وجود نداشته، * - در طی یک قرن اخیر یعنی بعد از پیروزی جنگ استقلال افغانستان، حتا یک نظامی هند در افغانستان کشته نشده است،

*- در سه دهه اخیر یعنی از سال ۱۹۹۰ تا امروز، حتا یک فرد نظامی دشمن خونین مردم ما یعنی روسها در افغانستان کشته نشده است، و ...

۲- به "پمپئو" این دروغزن رسوا باید فهماند که نه کشته شدن این و یا آن فرد خارجی در افغانستان امر مستقل بالذات است و نه هم کشته نشدن آنها. بلکه هر دو حالت منبعث از سیاست‌هایست که بین آنها قایم بوده است. یعنی با افریقای جنوبی و چین و ده‌ها کشور دیگر که بر منابع کشور ما چشم طمع‌داشتند و بر آن تجاوز نکرده‌اند، کدام خصومتی هم نداشتیم، در نتیجه نه آنها بر روی ما شمشیر کشیده‌اند و نه هم ما از آنها کسی را کشته‌ایم، به همین سان هندوستان

کنونی به خصوص بعد از کسب استقلال آن کشور و یا دشمن خونین ما در ربع چهارم قرن بیستم سوسیال امپریالیسم شوروی و جانشین آن روسیه از سه دهه بدین سو از افغانستان جنازه افراد نظامی شان را به خاک شان منتقل نساخته اند.

۳- دلیل این فقدان و قطع خونریزی متقابل آن بوده و است که آنها چه از هزاره ها بدین سو و چه هم از دهه ها، برون ما نتاخته اند، مردم ما را به قتل نرسانده اند، کشور ما را به خاک و خون نکشانیده اند، از همین رو کسی هم از آنها در اینجا کشته نشده است.

به عبارت رسا تر، افغانستان مرکز توحش نیست، تا خون افراد را بریزاند، بلکه گورستان آنها نیست که بر آن تجاوز می نمایند. در نتیجه وقتی دیروز کشته می شدید دلیل آن این نبود که ما به خاک تان رفته باشیم و کسانی را در آنجا به قتل رسانیده باشیم، بلکه دلیل آن حضور اشغالگران تان بود، یعنی همان سیاستی را که اتخاذ نموده بودید ارمغان همان سیاست اجساد هزاران سرباز و افسر امریکائی بود که می بایست به خاک تان انتقال دهید.

اگر می خواهید بیشتر از این کشته نشوید، گورتان را گم کنید به خاکتان برگردید تا زنده بمانید.

۲- و به ارتباط این که "مأموریت تان از بین بردن شبکه القاعده بود..." این که گفته اند دروغو حافظه ندارد، باردیگر با شنیدن این حرفها صدق خود را به اثبات می رساند. زیرا:

*- وقتی حدود بیست قبل به دستور دژخیم آن زمان "جورج دبلیو بوش" از زمین و فضاء بر افغانستان یورش آوردید و هر آنچه در قدرت داشتید از استعمال آن خودداری نورزیدید، جهت فریب خلقهای جهان و ابلهان سیاسی طماع، شخص دژخیم اهداف حمله را مبارزه علیه تروریسم، مبارزه علیه مواد مخدر، دفاع از حقوق و تساوی حقوق زنان، آزادی های دموکراتیک، اقلیت های مذهبی، تعمیم دموکراسی ایجاد اداره مستقل و کارآمد که بتواند افغانستان را به سمت شکوفائی و رشد سوق دهد، اعلام داشت.

*- این که فردی در مقام و موقعیت تو، بر بقیه وعده ها خط بطلان می کشد، می شود گفت "خانه پدرت آباد" که برای اولین بار در زندگی ات راست گفتی، امیدوارم ابلهان سیاسی طماع که به حرفهای آنروز تان باور کردند و امیدوار بودند که شما به وعده هایتان عمل کنید، آنقدر وجدان برای شان باقی مانده باشد، که نزد مردم از عملکرد خاینانه دو دهه اخیر شان پوزش بخواهند؛ و اما این که مبارزه علیه "تروریسم" به مبارزه علیه "القاعده" تنزیل داده می شود، امریست که در عقب خود تأیید "داعش" و بقیه نهاد های تروریستی را می رساند.

* - این نکته را می باید به خاطر داشت که پیروزی و شکست افراد، نهاد ها و حاکمیت ها اعم از خرد و بزرگ، به تناسب اهدافی که از اول تعیین نموده اند، محاسبه می گردد اگر کسی، نهاد و یا حاکمیتی حق داشته باشد بر خود بیبالد می باید عملکردش را با اهدافی که معین نموده بودند، سنجید، فقط آنهایی حق دارند برخود بیبالند و عملکردشان را با افتخار تبلیغ دارند که به اهداف معینه از قبل رسیده باشند، نه این که به مانند سگ دیدو دمش را لای پایهایش گرفته، حین فرار غوغو نماید. این رجز خوانی های "پمپئو" همان حالت را می رساند.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لایتجزای مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!